

علی آبادی اشتباهی به ورزش آمد و به کوچ‌بن بست خورد

دادگان: مایلی کهن رانمی شناسم!

رود؛ دکتر محمد دادگان؛ همین اسم شمارا از قطار کردن کلمات برای معرفی خلاص می‌کند. مرد صریح‌اللهجه پاچنار تهران که هنوز همان گونه باقی مانده است. بدون کوچکترین تغییری. پیش از مصاحبه آلبوم‌های عکس و مطالب بریده شده از جراید سال‌های گذشته را آورده بود و باسند ثابت کرد از جوانی و پیش از انقلاب همیشه حرف حق را زده و همه تبعاتش را به جان خریده. با دکتر محمد دادگان گفت‌وگویی دو ساعته و شیرین داشتیم که خلاصه آن را تقدیم‌تان می‌کنیم. ویدیوی کامل این گفت‌وگویی جذاب در رسانه‌های مجازی ایران ورزشی بارگذاری خواهد شد که دعوت می‌کنیم حتماً این گفت‌وگویی کامل را ببینید.

مصاحبه

علی جوادی

بچه بازار تهران هستید؟

بله. من متولد محله سید نصرالدین بازار تهران هستم. متولد محله پاچنار. هم من، برادرانم و تنها خواهرم و همین طور پدرم همه بچه همان محله هستیم. همانجا هم بزرگ شدیم. پدرم در بازار فعال بود و برادرانم که سابقه حضور در تیم‌های ملی کشتی و جودو را داشتند هم در بازار مشغول هستند.

پدرم و مرحوم حاج رمضان رضایی در همان محله، هیأت محبان الزهر(س) را در سال ۱۳۲۸ تأسیس کردند که هنوز در همان محله برقرار است و علاوه بر مناسبت‌های مذهبی، هر صبح جمعه مراسم برقرار است.

چند سال فوتبال بازی کردید؟

۱۱ سال. از تیم جوانان پرسپولیس شروع کردم. مرحوم آقای پرویز ابوطالب بازی مرا دید و مرا به تیم بوتان برد. من در تیم بوتان مقابل پرسپولیس بازی کردم. بعد از بازی مرحوم همایون بهزادی گفت این بازیکن ما بود چرا برای بوتان بازی کرد؟ باید او را برگردانیم. این شد که من به پرسپولیس برگشتم و تا آخرین روزهای این تیم بازی کردم و در سن ۲۸ سالگی فوتبال را کنار گذاشتم.

بدون آنکه حتی یک کارت زرد بگیردید؟

بله. بدون حتی یک اخطار و اخراج. اینکه یک مدافع حتی یک کارت زرد هم در بازی‌های ملی و باشگاهی نگیرد، برای خبرنگاران آن زمان هم مساله شده بود و همه درباره‌اش نوشتند. در زندگی هم دوست نداشتم به کسی صدمه بزنم. از زمانی که خودم را شناختم، حرف حق را تحت هر شرایطی زده‌وی آن ایستاده‌ام. اما نمی‌بسنم که به کسی آسیب بزنم. مهاجم حرف را مهار می‌کردم اما آسیب به او نمی‌زدیم.

اگر اجازه بدهید یک گام بلند برداریم و فاصله میان خداحافظی شما از فوتبال تا دوره مدیریتتان در فدراسیون را رد کنیم. برخی

شما در زمان ریاست بر فدراسیون از دوستان ممول‌تان در بازار تهران کمک می‌گرفتید؟

بله. خوشحالم که بگویم منابع مالی ماغیر از فوتبال و فدراسیون، از کمک افراد تأمین می‌شد. چون هزینه‌های فوتبال و بخصوص تیم ملی در زمان ما خیلی بالا بود.

درست است که برای هر برد یک پراید به بازیکنان تیم ملی می‌دادید؟

بله. شما از همه بازیکنان آن زمان پرسید. دستورالعمل‌های مرتبط با پاداش بازیکنان تیم ملی برای بردها را به صورت پخشنامه اعلام کردیم. قیمت هر پراید آن زمان ۷ میلیون و ۱۵۰ هزار تومان بود و ما پاداش را به تومان تبدیل کردیم و به همه بازیکنان ثابت بعد از هر برد ۷ میلیون تومان می‌دادیم. به بازیکنان تعویضی ۵ میلیون تومان و به بازیکنان ذخیره‌ای که بازی نمی‌کردند ۳ میلیون تومان. این پول هم بلافاصله بعد از هر برد پرداخت می‌شد.

باز هم یک داستانی هست که می‌گویند در بازی با بحرین (پیش از صعود تیم ملی به جام جهانی ۲۰۰۶) شما پول پاداش را از بازار تهران فراهم کردید. این هم درست است؟

بله. ایام تعطیلی نیمه خرداد بود و بعد از برد تیم ملی مقابل کره شمالی ما باید پاداش را پرداخت می‌کردیم. البته در آستانه بازی با بحرین و صعود تیم ملی به جام جهانی هم بودیم. من به همراه دوست خویم محمد رضا طالقانی رفتم بازار از یک بازاری محترم که به رحمت خدا رفته‌اند. قرض گرفتیم و کمدت بعد از تعطیلات پول شما را می‌دهم که همین طور هم شد. پول را بریدم هتل لاله و به آقای فرکی و آقای شاهرخی دادم و گفتیم بچه‌ها که برای صحنه‌ها آمدند، پولشان را بدهید. پول بازی با بحرین را هم در رختکن به بازیکنان دادم.

بعد اتفاقات بازی با بوسنی (بازی خداحافظی تیم ملی با مردم پیش از سفر به جام جهانی ۲۰۰۶) به وجود آمد. ۱۰ خرداد ۸۵ کمی درباره آن روز حرف می‌زنید؟

آن روز اتفاقات تلخی افتاد که من از حیثیت فوتبال دفاع کردم.

من همه جا گفتم آن برکناری غیور ورزشی بود و حالا هم می‌گویند هزار بار دیگر هم تکرار می‌کنم. این آقای یک روز من را صدا کرد و گفت سه بازیکن تیم ملی را خط بزن

به نام‌های؟

علی دایی، یحیی گل محمدی و سهراب بختیارپور زاده.

به چه دلیل؟

گفت مسن هستند.

و شما چه گفتید؟

گفتم تحت هیچ شرایطی این بازیکنان را کنار نمی‌گذارم. من با اینها می‌روم به جام جهانی.

این ماجرا برای چه روزی است؟

یک روز قبل از بازی با بوسنی در جشن خداحافظی تیم ملی برای سفر به جام جهانی ۲۰۰۶.

پس ماجرای اختلاف از اینجا شروع شد؟

بله. البته قبل از این شروع شده بود. مثلاً در تلویزیون گفته بود دادگان اگر بخواهد، می‌تواند برود. یکی می‌آید جای او.

و شما پاسخ دادید؟

بله. به همان برنامه رفتم و گفتم خدماتی که من در فوتبال ارائه می‌کنم، صد سال افرادی مثل شما نمی‌توانید انجام دهید. من در همان برنامه زنده تلویزیونی گفتم شما نیامدید به مردم خدمت کنید. آمدید به خودتان خدمت کنید. شجاعت داشته باشید بگویید کجا بودید و کجا هستید. بگویید بچه‌هایی‌تان کجا هستند. چند تا جانباخته معلول و شهید در خانواده شما هستند؟

درست است که شما بعد از برکناری از فدراسیون فوتبال به دنبال مهاجرت و استفاده از بورسیه فیفا بودید؟

بله. به هیچ عنوان. هیچ وقت دنبال مهاجرت نبودم. من به بورسیه فیفا را داشتم. ترن من پذیرفته شده بود؛ اما هیچ وقت دنبال ترک کشورم نبوده و نیستم. همه عشق من ایران است و اینکه کنار هموطنانم باشم.

برسیم به قرارداد ویلموتس. شما معتقدید توصیه برای قرارداد ویلموتس از جای دیگری دیکته شد.

بله. صراحتاً می‌گویم شخص مهدی تاج مقصر ۱۰۰ درصد نیست چون به او دیکته کردند. روزی داشتم می‌رفتم به منزل که آقای تاج به من زنگ زدند و گفتند همراه تیم ملی به سفر بروم اما مشکوکم که گفتم همراه تیم ملی به سفر نمی‌روم. آخرین گفتم حالا که تماس گرفتید به شما می‌گویم کی‌روش را برنارید. گفت تحت فشارم که او را بردارم. گفتم چون می‌دانم تحت فشارید، می‌گویم برنارید. چون بازیکنان به او دلپسندی پیدا کرده‌اند و کار برایتان سخت می‌شود اگر او را بر دارید. گفت وزارت ورزش می‌خواهد مرئی بیاید. گفتم نپذیرید. مقاومت کنید. هر چه آنها گفتند که نباید بگویید چشم.

یعنی تمام این آوار یورویی که بر سر ما خراب شد، نتیجه دستور و توصیه وزیر وقت بود؟

بله. ما مهدی تاج تماس بگیردیم و از او پرسیدیم. من در زندگی‌ام دروغ نگفته‌ام. من با جرات می‌گویم دستور آن قرارداد از وزارت ورزش صادر شد.

اینکه می‌گویند شما کنایه‌ای اول برای وزارت ورزش بودید، جقدر درست است؟

همان روزها هم گفتم که اسم من در صدارت اما یکی دیگر می‌شنیدند و همین هم شد. معلوم بود چه کسی می‌شود وزیر ورزش. حتی راضی نشدند من به باشگاه پرسپولیس بروم. چطور به وزارت من تن می‌دادند؟

چه کسانی؟

خودتان بهتر می‌دانید. آن کسی که باید در مورد ورزش تصمیم بگیرد وزیر ورزش است. آن بنده خدا هم پستی را اشغال کرده که کاری را در آن نمی‌داند. هر اختیاری به همه کس می‌دهد تا بماند. یک وزیر باید این طوری عمل کند؟

شما اگر وزیر ورزش می‌شید، چکار می‌کردید؟

اولین کارم این بود که گروهی را مأمور شناسایی فساد در ورزش می‌کردم. در تمام بدنه ورزش می‌دانم که هست.

فساد کجاست؟

اولش فدراسیون فوتبال. باشگاه‌ها. من همه را می‌دانم. دروزارت صنعت که بودم تمام تیم‌های صنعتی زیر مجموعه ما بودند. می‌دیدم همه چیز را.

الان تیم‌های صنعتی فاسد هستند؟

این همه پول در تیم‌های صنعتی هزینه می‌شود. چه کسی تحقیق می‌کند؟ من در وزارت صنعت همه مدارک را جلوی یکی از مدیران باشگاه‌های صنعتی گذاشتم و گفتم این هزینه‌ها غیر قانونی است. گفتم می‌رویم اصلاح می‌کنیم؛ اما نکرد. همه مدارک را هم به مدیران شان دادم. چه کسی بازخواست شد؟ من فقط باید بگویم؟ در وزارت کار هم که بودم، یکی از تیم‌های صنعتی خلاف کرده بود به وفور. من پیگیری کردم و با مدیرش هم حرف زدم؛ اما آب از آب تکان نخورد. در همین باشگاه پرسپولیس آمدند بررسی کنند. در ۲۰ سال اخیر پول‌ها کجا و چطور هزینه شد؟

این پولی که تحت عنوان ورود بود باشگاه به فرابورس به حساب دو باشگاه آمد، راه حل و درمان بود یا مسکن؟

من بارها گفته‌ام از تمام کت و شلوار، دکمه‌اش و انگار شد. اختیاری به مردم که مالکان واقعی این دو باشگاه هستند، و انگار شد. فقط پول مردم را گرفتند تا به صورت مقطعی یک سال مشکلات شان را رفع کنند. سال بعد چی؟ الان بازیکنانی که قرارداد بستند با همین پول بود. اما این قرارداد‌های جدید، دو ساله است. پول سال بعد این بازیکنان را چه کسی باید بدهد؟

معمولاً دو باشگاه سرخابی در زمان شما خریداری شد. ساختمان معروف فدراسیون در خیابان شول هم همین طور. پول اینها از کجا آمد؟

از درآمدهای فوتبال و آنها که بیرون از فوتبال بودند و ما و فوتبال ایران را دوست داشتند.

پس چرا الان فوتبال ما درآمد ندارد و فقط سه هزینه؟

این را برپوید از آنها پرسید که ورزش را مدیریت می‌کنند و مدیرانی که چنین مدیرانی را می‌خوانند. من آن زمان نه از کمیته ملی المپیک آقای هاشمی طبا پول گرفتم نه از سازمان تربیت بدنی. آن موقع ساختمان فدراسیون فوتبال در خیابان پاستان را ۶۰۰ میلیون فروختم و ساختمان فدراسیون فوتبال در خیابان شول را ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون خریدیم.

ساختمان استقلال را آقای فریب در خیابان علامه دید و برای او ۷۸۰ میلیون خریدیم. بعد آقای خطیب خدابامرز آمد و گفت فکر نمی‌کردم واقعا بخواهید ساختمان برای ما بخرید. رفت این ساختمان را در محل فعلی دید و آن را هم خریدیم ۸۷۰ میلیون تومان.

دلیل خاصی داشت که برای پرسپولیس بیشتر دادید؟

اصلاً در مقام رئیس فدراسیون هیچ فرقی برایم نداشتم. من به دو مدیرعامل گفتم بروید خودتان ساختمان پیدا کنید. اسناد را هم به نام دو باشگاه بزنم که به حراج برود و ۹۹ ساله اجازه دادم بدون یک ریال اجاره.

این ماجرای حق پخش بازی‌های لیگ و بخصوص سرخابی‌ها چگونه حل می‌شود؟

اصلاً حل نمی‌شود. پولی به باشگاه‌ها از این بابت نمی‌دهند. همه پول‌های ورود در سازمان لیگ.

و شما چه گفتید؟

گفتم تحت هیچ شرایطی این بازیکنان را کنار نمی‌گذارم. من با اینها می‌روم به جام جهانی.

این ماجرا برای چه روزی است؟

یک روز قبل از بازی با بوسنی در جشن خداحافظی تیم ملی برای سفر به جام جهانی ۲۰۰۶.

پس ماجرای اختلاف از اینجا شروع شد؟

بله. البته قبل از این شروع شده بود. مثلاً در تلویزیون گفته بود دادگان اگر بخواهد، می‌تواند برود. یکی می‌آید جای او.

و شما پاسخ دادید؟

بله. به همان برنامه رفتم و گفتم خدماتی که من در فوتبال ارائه می‌کنم، صد سال افرادی مثل شما نمی‌توانید انجام دهید. من در همان برنامه زنده تلویزیونی گفتم شما نیامدید به مردم خدمت کنید. آمدید به خودتان خدمت کنید. شجاعت داشته باشید بگویید کجا بودید و کجا هستید. بگویید بچه‌هایی‌تان کجا هستند. چند تا جانباخته معلول و شهید در خانواده شما هستند؟

درست است که شما بعد از برکناری از فدراسیون فوتبال به دنبال مهاجرت و استفاده از بورسیه فیفا بودید؟

بله. به هیچ عنوان. هیچ وقت دنبال مهاجرت نبودم. من به بورسیه فیفا را داشتم. ترن من پذیرفته شده بود؛ اما هیچ وقت دنبال ترک کشورم نبوده و نیستم. همه عشق من ایران است و اینکه کنار هموطنانم باشم.

برسیم به قرارداد ویلموتس. شما معتقدید توصیه برای قرارداد ویلموتس از جای دیگری دیکته شد.

بله. صراحتاً می‌گویم شخص مهدی تاج مقصر ۱۰۰ درصد نیست چون به او دیکته کردند. روزی داشتم می‌رفتم به منزل که آقای تاج به من زنگ زدند و گفتند همراه تیم ملی به سفر بروم اما مشکوکم که گفتم همراه تیم ملی به سفر نمی‌روم. آخرین گفتم حالا که تماس گرفتید به شما می‌گویم کی‌روش را برنارید. گفت تحت فشارم که او را بردارم. گفتم چون می‌دانم تحت فشارید، می‌گویم برنارید. چون بازیکنان به او دلپسندی پیدا کرده‌اند و کار برایتان سخت می‌شود اگر او را بر دارید. گفت وزارت ورزش می‌خواهد مرئی بیاید. گفتم نپذیرید. مقاومت کنید. هر چه آنها گفتند که نباید بگویید چشم.

یعنی تمام این آوار یورویی که بر سر ما خراب شد، نتیجه دستور و توصیه وزیر وقت بود؟

بله. ما مهدی تاج تماس بگیردیم و از او پرسیدیم. من در زندگی‌ام دروغ نگفته‌ام. من با جرات می‌گویم دستور آن قرارداد از وزارت ورزش صادر شد.

اینکه می‌گویند شما کنایه‌ای اول برای وزارت ورزش بودید، جقدر درست است؟

همان روزها هم گفتم که اسم من در صدارت اما یکی دیگر می‌شنیدند و همین هم شد. معلوم بود چه کسی می‌شود وزیر ورزش. حتی راضی نشدند من به باشگاه پرسپولیس بروم. چطور به وزارت من تن می‌دادند؟

چه کسانی؟

خودتان بهتر می‌دانید. آن کسی که باید در مورد ورزش تصمیم بگیرد وزیر ورزش است. آن بنده خدا هم پستی را اشغال کرده که کاری را در آن نمی‌داند. هر اختیاری به همه کس می‌دهد تا بماند. یک وزیر باید این طوری عمل کند؟

شما اگر وزیر ورزش می‌شید، چکار می‌کردید؟

اولین کارم این بود که گروهی را مأمور شناسایی فساد در ورزش می‌کردم. در تمام بدنه ورزش می‌دانم که هست.

فساد کجاست؟

اولش فدراسیون فوتبال. باشگاه‌ها. من همه را می‌دانم. دروزارت صنعت که بودم تمام تیم‌های صنعتی زیر مجموعه ما بودند. می‌دیدم همه چیز را.

الان تیم‌های صنعتی فاسد هستند؟

این همه پول در تیم‌های صنعتی هزینه می‌شود. چه کسی تحقیق می‌کند؟ من در وزارت صنعت همه مدارک را جلوی یکی از مدیران باشگاه‌های صنعتی گذاشتم و گفتم این هزینه‌ها غیر قانونی است. گفتم می‌رویم اصلاح می‌کنیم؛ اما نکرد. همه مدارک را هم به مدیران شان دادم. چه کسی بازخواست شد؟ من فقط باید بگویم؟ در وزارت کار هم که بودم، یکی از تیم‌های صنعتی خلاف کرده بود به وفور. من پیگیری کردم و با مدیرش هم حرف زدم؛ اما آب از آب تکان نخورد. در همین باشگاه پرسپولیس آمدند بررسی کنند. در ۲۰ سال اخیر پول‌ها کجا و چطور هزینه شد؟

این پولی که تحت عنوان ورود بود باشگاه به فرابورس به حساب دو باشگاه آمد، راه حل و درمان بود یا مسکن؟

من بارها گفته‌ام از تمام کت و شلوار، دکمه‌اش و انگار شد. اختیاری به مردم که مالکان واقعی این دو باشگاه هستند، و انگار شد. فقط پول مردم را گرفتند تا به صورت مقطعی یک سال مشکلات شان را رفع کنند. سال بعد چی؟ الان بازیکنانی که قرارداد بستند با همین پول بود. اما این قرارداد‌های جدید، دو ساله است. پول سال بعد این بازیکنان را چه کسی باید بدهد؟

معمولاً دو باشگاه سرخابی در زمان شما خریداری شد. ساختمان معروف فدراسیون در خیابان شول هم همین طور. پول اینها از کجا آمد؟

از درآمدهای فوتبال و آنها که بیرون از فوتبال بودند و ما و فوتبال ایران را دوست داشتند.

پس چرا الان فوتبال ما درآمد ندارد و فقط سه هزینه؟

این را برپوید از آنها پرسید که ورزش را مدیریت می‌کنند و مدیرانی که چنین مدیرانی را می‌خوانند. من آن زمان نه از کمیته ملی المپیک آقای هاشمی طبا پول گرفتم نه از سازمان تربیت بدنی. آن موقع ساختمان فدراسیون فوتبال در خیابان پاستان را ۶۰۰ میلیون فروختم و ساختمان فدراسیون فوتبال در خیابان شول را ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون خریدیم.

ساختمان استقلال را آقای فریب در خیابان علامه دید و برای او ۷۸۰ میلیون خریدیم. بعد آقای خطیب خدابامرز آمد و گفت فکر نمی‌کردم واقعا بخواهید ساختمان برای ما بخرید. رفت این ساختمان را در محل فعلی دید و آن را هم خریدیم ۸۷۰ میلیون تومان.

ایران ورزش

نشانی: صبح ایران • صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی • تلفن: ۱۴-۴۱۱۳۰۸۸۵ • شماره: ۸۴۷۱۱۷۳۳ • ۱۸۷۷۰۰-۸۸۵۰۱۳۰۰ • ۸۸۷۶۵۸۳ • انتشارات: ۵ • ۸۸۵۲۸۸۹۲ • امور مشترکین: ۸۸۷۶۸۸۰۰ • ۸۸۷۱۹۵۴ • ۸۸۵۲۱۹۵۴ • نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ / صندوق پستی ۱۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • چاپ: ایران‌تپان

شنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۱-شماره ۷۰۵۹ • نظر خود را به این شماره پیامک کنید ۳۰۰۰ ۴۵ ۱۲ ۱۳

WWW.INN.IR
info@inn.ir

۱۰ همیشه عاشق ایران و ایرانی‌ام

۱۰ یک مربی به کاپیتان تیم ملی گفته بود به علی کریمی رأی ندهید

۱۰ هیچ وقت فکر مهاجرت به سرم نزن

۱۰ هر چه در این فوتبال می‌گذرد را می‌دانم

۱۰ جادوگر معروف سراغ من هم آمده بود، ردش کردم

۱۰ برای ساختن بمر زلزله زده رفتم، به ماشینم سنگ زدن

۱۰ برای هر برد به بازیکنان تیم ملی پراید می‌دادیم

۱۰ مهدوی گیارا آوردند که پشتش پنهان شوند و بعد او را بسوزانند

فوتبال کافی نیست.

یعنی شما حق را به کاپیتان تیم ملی ایران می‌دهید که به علی کریمی رأی نداد؟

کتابی درست شده بود از طریق یک مربی و آن مربی گفته بود به کریمی رأی ندهید. من هر چه در این فوتبال می‌گذرد را می‌دانم. خیلی هم خوب می‌دانم اما اجازه بدهید همه چیز را نکویم. کاش علی کریمی در آن انتخابات چند خبره مدیریت را می‌آورد و می‌گفت من خبره فوتبالم اما در بخش‌هایی از مدیریت که تسلط کافی ندارم از اینها استفاده می‌کنم. این طوری بخت انتخابات بالا می‌رفت و خیلی هم راحت می‌توانست فوتبال را اداره کند. من حرفم این است که تنها بازیکن بودن ملاک انتخاب نیست. میرشاد دانشجوی من بوده. بچه خوبی هم هست؛ اما آیا واقعاً توانسته خوب بچرخاند؟ من قبل از لغو بازی با کانادا هم به استیلی و هم به کامران‌فر گفتم شما با کانادا بازی نمی‌کنید. کامران‌فر در ترکیه برایم پیام و استاسی داد که حق با توست.

اگر شما بودید قرارداد این بازی را می‌بستید؟

بله. به هیچ عنوان. من برای آنکه ویزای یک کشور در پاسپورتم بخورد، نه قراردادی بسته‌ام و نه می‌بندم. مثل روز روشن بود که این بازی لغو می‌شود.

با توجه به بازی با الجزایر خیلی‌ها به اسکوچج حمله کرده‌اند. با این وضعیت، شما جقدر به تیم ملی امیدوارید؟ اصلاً نظرتان در مورد اسکوچج مثبت است؟

من فکرمی‌کنم باید احترامش را نگه داشت. او وقتی تیم ملی را



دست گرفت که ۶۰ درصد فوتبالی‌ها امید به صعود نداشتند. ایشان آدم وفاداری را تبدیل به روشنی کرد.

ولی می‌گویند نتایج خوب تیم ملی به مقربین درگاه ارتباط داشته نه دانش فنی مربی.

بله. به هیچ عنوان وجود جادوگر را انکار نمی‌کنم. همین شخص زمان من هم آمده بود. یک مربی او را پیش من آورد.

مربی لیگ برتری؟

بعد لیگ برتری شد. آن زمان لیگ برتری نبود اما رئیس لیگ برتری بود.

برای برد در یک بازی ملی بود؟

بله. بازی ایران با ژاپن بود. همان بازی که ۷-۰ داشتیم.

چه شد؟

آمد و گفت پشت دروازه به من صندلی بدهید تا بنشینم. من گفتم برای چه؟ گفت باید انرژی من کنار زمین باشم. گفتم ممنونم اما نایز به منتخفا این حرف‌ها را به این دو نفر گفتم و با هر دو هم یک مدل ردش کردید. او می‌توانست بازی را برای ما دربیابد. او به گفتم به اینان بگو بازی‌ها را برای شما دربیابد.

یک روز گفتید فوتبال باید به دست فوتبالی‌ها سپرده شود. در فوتبال انتخابات فدراسیون فوتبال حتی کاپیتان تیم ملی به علی کریمی رأی نداد. حالا همچنین عقیده‌ای دارید؟

بله. علی کریمی فخر فوتبال ماست. مثل علی دایی، مثل مهدی مهدوی‌کیا و خیلی‌های دیگر. اما این برای مدیریت بر

مهدی مهدوی‌کیا و خیلی‌های دیگر. اما این برای مدیریت بر

مهدی مهدوی‌کیا و خیلی‌های دیگر. اما این برای مدیریت بر

مهدی مهدوی‌کیا و خیلی‌های دیگر. اما این برای مدیریت بر

مهدی مهدوی‌کیا و خیلی‌های دیگر. اما این برای مدیریت بر

مهدی مهدوی‌کیا و خیلی‌های دیگر. اما این برای مدیریت بر

مهدی مهدوی‌کیا و خیلی‌های دیگر. اما این برای مدیریت بر

مهدی مهدوی‌کیا و خیلی‌های دیگر. اما این برای مدیریت بر

مهدی مهدوی‌کیا و خیلی‌های دیگر. اما این برای مدیریت بر

مهدی مهدوی‌کیا و خیلی‌های دیگر. اما این برای مدیریت بر

مهدی مهدوی‌کیا و خیلی‌های دیگر. اما این برای مدیریت بر



این اسم‌ها را تعریف کنید:

پدر: همه چیز

مادر: هم تراز پدر

فدراسیون فوتبال: صندوق جادویی. جایی که باید برای آن هم آبرویت را بگذاری هم آرزویت را.

ورزش کشتی: علاقه به این ورزش در وجود همه ایرانیان است.

ورزش باستانی: خیلی علاقه دارم. همراه با پدرم و برادرم سال‌ها به آن مشغول بودم. کمرم خراب نشده بود، هفته‌ای یک روز داخل گود می‌رفتم، زورخانه، سالن، زمین چمن با نورافکن‌هایش و خیلی چیزهای دیگر را در دانشگاه شهید بهشتی از امکانات بیرونی ساختم؛ اما زمان بازی‌های یک شاخه گل هم برای تجلیل به من ندادند.

محمد رضا طالقانی: بچه محل خویم و همه جا قابل احترام.

علی پروین: پیشکسوت باارزش ورزش.

محمد دادگان: درباره خودم چه می‌توانم بگویم؟ قدر محبت، انصاف و عدالت را می‌دانم.

علی دایی: اسطوره‌ای که متأسفانه قدرش را ندانستیم.

علی کریمی: او هم همین طور.

عادل فردوسی پور: خیلی با ارزش. حیثیت قدر خودش را ندانست و زمانی در اختیار ما بود. یک روز آمار بالای مردم در مورد من را اعلام نکرد و بعدها از من خلایق طلبید و گفت مدیرانم گفته‌اند آمار اقبال مردم نسبت به من را بخواند.

محمد علی آبادی: با ورزش غریبه بود. آمده بود که کوچ‌بن بست گرفتار شده بود.

مسعود سلطانی‌فر: او هم همین طور. آن کسی که در کمیته انتخاب وزیر ورزش به این آدم رأی داده بود، می‌گفت او برای جوک گفتن خوب بود.

این افراد مسئول ورزش شدند چون با شخص رئیس جمهور رفیق بودند.

پرانکو: مربی باشخصیت، باهوش و دانا.

محمد مایلی‌کهن: شناختی ندارم.

می‌گویند چون نسل طلایی فوتبال ما در زمان شما بازی می‌کردند، شما مدیر موفق بودید.

بله. می‌تواند این هم یکی از دلایلش باشد. نمی‌توانم چشمم را به روی حقیقت ببندم؛ اما حالا هم نسل طلایی ما در حال بازی هستند. آن زمان هم آخرین سال‌های بازی نسل طلایی بود.

ورزشی درخشان آن نسل گذشته بود. آنها از نظر فنی به من کمک کردند؛ اما فدراسیون من فقط بحث فنی نداشت. ما یک ریال از یک نهاد دولتی پول نگرفتم و زمانی که دلار ۸۰۰ تومان بود، خزانه فدراسیون را با ۵ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان تحویل دادم و رفتم.

می‌گویند چون نسل طلایی فوتبال ما در زمان شما بازی می‌کردند، شما مدیر موفق بودید.

بله. می‌تواند این هم یکی از دلایلش باشد. نمی‌توانم چشمم را به روی حقیقت ببندم؛ اما حالا هم نسل طلایی ما در حال بازی هستند. آن زمان هم آخرین سال‌های بازی نسل طلایی بود.

ورزشی درخشان آن نسل گذشته بود. آنها از نظر فنی به من کمک کردند؛ اما فدراسیون من فقط بحث فنی نداشت. ما یک ریال از یک نهاد دولتی پول نگرفتم و زمانی که دلار ۸۰۰ تومان بود، خزانه فدراسیون را با ۵ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان تحویل دادم و رفتم.

می‌گویند چون نسل طلایی فوتبال ما در زمان شما بازی می‌کردند، شما مدیر موفق بودید.

بله. می‌تواند این هم یکی از دلایلش باشد. نمی‌توانم چشمم را به روی حقیقت ببندم؛ اما حالا هم نسل طلایی ما در حال بازی هستند. آن زمان هم آخرین سال‌های بازی نسل طلایی بود.

ورزشی درخشان آن نسل گذشته بود. آنها از نظر فنی به من کمک کردند؛ اما فدراسیون من فقط بحث فنی نداشت. ما یک ریال از یک نهاد دولتی پول نگرفتم و زمانی که دلار ۸۰۰ تومان بود، خزانه فدراسیون را با ۵ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان تحویل دادم و رفتم.

می‌گویند چون نسل طلایی فوتبال ما در